



۸ اکتبر ۲۰۲۴، برابر با ۱۷ مهر ۱۴۰۳ شاهنشاهی

شهریار میهن، شاهزاده رضا پهلوی: من امروز برای شما پیامی دارم؛ این جنگ مردم ایران نیست، این جنگ خامنه ای و رژیم اوست!

و لعاب ملی گرایی ایرانی بدهد. اما او نماینده ملت ما نیست. جنایاتی که رژیم او علیه شما، همسایگان ما، مرتکب شده، اهانتی به ایرانیان و ارزش های ما است. برای ما ایرانیان، غرور ملی و عشق به کشورمان به قیمت نفرت، ستیزه جویی و دیگری ستیزی نیست. هم میهنانم بارها و بارها نشان داده اند که نمی خواهند ثروت ایران صرف جنگ افروزی، تشدید بی ثباتی یا تأمین مالی تروریسم شود. مردم ایران دشمن شما نیستند. این جمهوری اسلامی است که دشمن مشترک ما؛ دشمن همه مردم صلحجوی منطقه ما، از هر کشوری که باشند یا به هر دینی که باور داشته باشند، است.

بنابراین به شما دوستانمان در سراسر خاورمیانه می گویم: منطقه ما سزاوار وضعیت بسیار بهتر از اوضاع کنونی است، اما برای این که موفق شویم، نخست این رژیم که برای نزدیک به نیم قرن، ما را به گروگان گرفته، باید برود. خاورمیانه با آشوب و ناآرامی بسیار آشنا است. بنابراین می دانم که شاید می ترسید که تغییر رژیم در ایران، با خود هرج و مرج بیاورد، اما نترسید. ما اجازه نخواهیم داد که پس از سقوط این رژیم، خلاء قدرت بوجود آید. ائتلافی گسترده از ایرانیان میهن پرست، در داخل و خارج، آماده اند تا برای خدمت به کشور ما و برقراری صلح با کشورهای منطقه وارد عمل شوند. من نیز به هم میهنانم گفته ام که به وظیفه خود عمل خواهم کرد؛ من بنا به خواست آنها، برای نظارت بر این گذار مسالمت آمیز به دموکراسی و بازگشت ایران به جامعه ملل، قدم به پیش خواهم گذاشت. صلح نه میراث کهنه تاریخ است و نه رویایی در دور دست.

صلح، وعده ای است که به خودمان و به فرزندانمان می‌دهیم. و با هم می‌توانیم آن را به واقعیت تبدیل کنیم.

خاورمیانه؛ گهواره تمدن، سرشار از داستانهای پادشاهان بزرگ، پیامبران و فیلسوفان است. از کوروش، موسی تا ابن خلدون. کشورهای ما زادگاه برخی از بزرگترین شخصیت های دوران پیش بوده و آنها را به جهان معرفی کرده است. رهبرانی چون انورسادات، ملک حسین، مناخیم بگین، ملک فیصل و پدرم نیز، ردای صلح طلبی برای ملت های ما را بر تن کردند. اما ۴۵ سال است که بسیاری از ما ناچار شده ایم در هراس زندگی کنیم: هراس از حمله تروریستی، هراس از جنگ، هراس از بی ثباتی اقتصادی؛ هراس از باج گیری هسته ای! چرا که ۴۵ سال پیش، کشور من از سوی یک رژیم افراطی به گروگان گرفته شد؛ که نه تنها به دنبال این است که مردم من را در زنجیر نگاه دارد، بلکه می خواهد "انقلاب" خود را به کشورهای شما و مردم شما نیز، صادر کند.

رژیم مستقر در تهران، مسئول کشته شدن صدها هزار انسان بی گناه است؛ ایرانی، عرب و اسرائیلی؛ مسیحی، مسلمان و یهودی! این رژیم حمله ۷ اکتبر را تسهیل کرد؛ به درگیری های فرقه ای در سوریه، عراق، لبنان و یمن دامن زد. در تلاش است تا پادشاهی هاشمی را سرنگون و از "خادم حرمین شریفین" مشروعیت زدایی کند. این رژیم از فلسطینی ها به عنوان سپر انسانی استفاده می کند. و اکنون؛ این رژیم، گهواره تمدن ما را به آستانه جنگ منطقه ای کشانده است.

من امروز برای شما پیامی دارم؛ این جنگ مردم ایران نیست. این جنگ خامنه ای و رژیم اوست! مستبد ظالم در تهران، تلاش می کند به جنگ افروزی هایش، رنگ

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

این نوشتار برای نخستین بار به تاریخ ۱۳ مرداد ۲۵۸۳ شاهنشاهی نوشته شده و در گاهنامه "برای ایران"، شماره ۱۲ به چاپ رسید. از روی اهمیت، دوباره به بازنشر آن می پردازیم.



در پی کشته شدن "اسماعیل هنیه"، رهبر گروهک تروریستی حماس در تهران، سردمداران حکومتی به همراه دیگر مزدوران منطقه ایش، سخن از "خونخواهی" و "مجازات سخت" رانده و بر طبل جنگ طلبی های بی پایان خود به ضرر مردم ایران و منطقه می کوبند.

در پی این عریبه کشی های جنگ طلبانه، دولت آمریکا نیز به منظور پشتیبانی از متحدان خود، بویژه ملت اسرائیل، و پیشگیری و مقابله احتمالی با جنگ افروزیهای جمهوری ننگین اسلامی، ناوگانه های دریایی و هوایی بیشتری به منطقه گسیل داشته است. از سوی دیگر پیامهای هشدارآمیز دولت های غربی به مردمشان، مبنی بر لغو مسافرت به کشورهای درگیر و خروج اضطراری شهروندانشان از این منطقه، لغو پروازهای بین المللی به این کشورها و ... همه و همه نشان از شدت یابی بحرانهای خاورمیانه بسوی جنگی تازه در این منطقه، دارد.

فارغ از اینکه آیا این ناقوس شوم، به برپایی جنگ تازه ای از سوی سردمداران رژیم در خاورمیانه و از آن میان ایران، بیانجامد و یا نه؛ "انجمن پادشاهی خواهان پیشرو" خود را موظف می داند تا موضع خود را در این زمینه برای مردم ایران، نیروهای ایرانگرا، آزادیخواه، میهن پرست و دیگر دوستان ملت ایران روشن نماید:

۱. دستگاه خودکامه حاکم بر ایران، در پی ناتوانی در چاره جویی مشکلات زندگی روزانه مردم، و اعمال سرکوب و وحشیانه در برابر خواسته های بحق و عادلانه اقشار گوناگون ملت ایران، کوبیدن بر طبل جنگ را (هرچقدر هم محدود)، راهی برای برون رفت از بحرانهای جاری کشور می داند. "جنگ" راه چاره گرفتاریها نیست، بلکه مشکلات را هزار چندان می کند. پس فریادهای شوم جنگ طلبی و "خونخواهی" رژیم از برای چیست؟! این ایران ستیزان می کوشند تا با برافراشتن شعله جنگ، جنبشهای اعتراضی مردم ایران را، اینبار زیر نام "عامل دشمن"، "ستون پنجم" و ... به خاک و خون بکشانند.

۲. بر همگان روشن است که رژیم با اقتصادی بحران زده، جایگاه بسیار نامناسب اقتصادی در جهان، خزانه ای تقریباً خالی، و ... توان مقابله نظامی نامحدود و دراز مدت، حتا با ضعیف ترین کشورهای همسایه را هم ندارد، چه رسد به جنگ با آمریکا و متحدانش! زین روی در صورت وقوع چنین جنگی، آنچه که نصیب ملت ایران خواهد شد؛ کشتار مردم رنجیده، ویرانی، بی خانمانی، قحطی، افزایش سریع قیمتها، سقوط هرچه بیشتر ارز ملی (اگر چیزی از آن مانده باشد)، گسترش هرچه بیشتر فقر، آوارگی و برون رفت بخشی از مردم و نیروهای متخصص از کشور و ... خواهد بود.

۳. ملت ایران در روند ۴۶ سال گذشته، درگیر جنگی بی امان با جمهوری پلید اسلامی و زیاده خواهی های آن بوده است؛ آتش سوزیها و از دست رفتن جنگلها، خشک شدن زمین های کشاورزی و خالی شدن روستاها از روستاییان، خشک شدن دریاچه ها، رودها و تالاب ها، نابودی اقتصاد و رشد آمار بیکاری در همه عرصه های تولیدی و خدماتی کشور، دستگیری ملیونها تن از جوانان، کارگران، دانشجویان، روشن اندیشان، کوشندگان مدنی و محیط زیستی و ... و اعدام دهها هزار تن در روند این سالها، کشته شدن سالانه دهها هزار تن در تصادفات جاده ای، سیل، زمین لرزه، بیماری و ... مرگ تدریجی و خاموش ملیونها تن به خاطر نداری و فقر، عدم آسایش روحی و روانی در جامعه ... **اگر نامش جنگ علیه ملت ایران نیست پس چیست؟! جنگی ناعادلانه و یک طرفه ای که از سوی حاکمیت بر مردم بی دفاع ایران، تنها به جرم ایرانی بودنشان، اعمال شده است.** مردم صلح دوست ایران، درگیر جنگی تحمیلی با یکی از خونخوارترین، وحشی ترین و نمک نشناس ترین حکومت های تاریخ خود دست به گریبان است و از سوی دیگر، **هیچ دلیلی** هم برای درگیر شدن با ملت دوست و برادرش اسرائیل نمی بینید. ریشه گرفتاریهای روزانه و ادامه دار ملت ایران، نه آمریکا است و نه اسرائیل؛ بلکه همین جمهوری اسلامی جانی، زیاده خواه و دزد است.

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو بر این باور است که هرچقدر رژیم با کوبیدن بر طبل جنگ (تا هر اندازه واقعی هم که باشد)، می کوشد توجه مردم ما را از خواسته های بحق و عادلانه اشان منحرف و دور سازد، تا بلکه بتواند از این راه، برای ادامه زندگی ننگینش وقت بخرد. مردم ما باید با گسترش مبارزات اعتراضی خود در همه عرصه های اجتماعی، و مخالفت روشن و آشکار با آغاز هر جنگی و با هر بهانه ای، نباید اجازه جنگ افروزی به این رژیم پلید بدهند. ایرانیان باید با الهام از رهنمودهای نیک خواهانه شهید میهن، شاهزاده رضا پهلوی و سازماندهی نافرمانیهای مدنی، گسترش اعتراضات سازماندهی شده و هدفمند، هم رژیم را در اجرای سیاستهای جنگ طلبانه اش عقیم گذارند و هم با عقب راندن این دستگاه خودکامه، به مبارزه تا سرنگونی کامل و قطعی آن ادامه دهند. اگر بخواهیم خواسته ملت ایران را چکیده وار در رابطه با جنگ احتمالی رژیم علیه ملت اسرائیل باز گویم:

جنگ با ملت اسرائیل؛ نه! سرنگونی جمهوری پلید اسلامی؛ آری!

رفاه، آزادی و عدالت اجتماعی، حق همه ایرانیان است!

سخنرانی شهریار میهن شاهزاده رضا پهلوی در شورای اسرائیلی - آمریکایی ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴

(برگردانی آزاد از: **انجمن پادشاهی خواهان پیشرو**)

"عالیجنابان، میهمانان محترم، خانم ها و آقایان عصر بخیر؛ در آغاز از دکتر آدلسون، آقای کار و گروهش برای برگزاری این کنفرانس با ارزش و در این زمان مهم، سپاسگزاری می کنم! امروز ما در یک پرتگاه تاریخی قرار داریم؛ نه فقط برای مردم و ملت خودمان، بلکه برای تمدن انسانی که بر لبه این پرتگاه قرار گرفته است. در دو هفته ای که سالگرد دو رویداد تاریخی که اینک در میانه آن قرار داریم؛ به روشنی گواهی می دهند که دقیقاً چه چیزی در خطر است. در دومین سالگرد قتل مهسا امینی و کشتار صدها ایرانی معترض و هفتم اکتبر نخستین سالگرد کشتار صدها غیر نظامی اسرائیلی. این جنایات، این تجاوز و توهین آشکار به کرامت و مقام انسانی؛ صدها کیلومتر دورتر از یکدیگر اتفاق افتاده است. قربانیان از ملل مختلف و دارای عقاید مختلفی بوده و به زبان های مختلفی نیز صحبت می کردند. آدمهایی ماشه ها را می چکانند، چاقو و قمه ها را در بدن قربانیان فرو می کنند. اما گناهکار واقعی در هر کدام از این رویدادها، جمهوری اسلامی بوده و مردی که این سکان خونین را هدایت کرد، آیت الله علی خامنه ای بود. به هر روی؛ سالگرد این دو رُخداد هولناکی که اینک ما در میانه آن قرار داریم، وقایع مجزا و تازه ای نیستند. در دهه ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی و دستیارانش، رهبر یهودی لبنان، اسحاق ساسون را به قتل رساندند، سفارت آمریکا و پادگان تفنگداران دریایی آمریکا را در بیروت منفجر می کنند. در میهن من، افسران نظامی، دولتمردان و رهبران یهودی مانند حبیب ایلقانیان را اعدام دسته جمعی کردند. در دهه ۱۹۹۰؛ جمهوری اسلامی و دست اندرکارانش مرکز یهودیان آمیا را، در بوینس آیرس منفجر کرده و ده ها غیرنظامی را می کشند. برج خوبار در عربستان سعودی را بمبگذاری کرده، و شاپور بختیار نخست وزیر سابق را در فرانسه به قتل می رسانند. ده ها نویسنده مخالف را در سری "قتل

های زنجیره ای" در سراسر ایران کشتند. در بیرون از ایران، در دهه نخست همین هزاره؛ جمهوری اسلامی و دستیارانش به موشک باران اسرائیل می پردازند، کمپین جهانی انکار هولوکاست به راه انداخته، سربازان آمریکایی را به قتل رسانده و مبارزان آزادی در ایران مانند ندا آقا سلطان در جنبش سبز را، به گلوله می بندند. در دهه ۲۰۱۰، جمهوری اسلامی و ایادیش اقدام به بمبگذاری در سفارتخانه های اسرائیل در گرجستان، هند و تایلند می کنند، بارها از قصد خود برای ترور رئیس جمهور دونالد ترامپ گفته اند و بیش از ۱۵۰۰ معترض صلح جو را که برای آزادی ایران می کوشیدند، قتل عام کردند. و تا همین امروز، جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن به سوی غیرنظامیان اسرائیلی و سربازان آمریکایی موشک شلیک کرده و با شلیک گلوله های ساچمه ای به صورت معترضان ایرانی آنها را کور می کنند. زمین های بازی کودکان در اسرائیل را موشک باران، ذهن دانشجویان آمریکایی را مسموم و در همانحال دانش آموزان ایرانی را در مدرسه ها مسموم می کنند. همانگونه که کنیسه های شما را هدف قرار می دهند به کلیساهای خانگی ما حمله می کنند. ولی در برابر همه این رویدادها، جنایتکارانه، ما شاهد همبستگی چشمگیر و مثال زدنی مردم ایران، آمریکا و اسرائیل بوده ایم. در راهپیمایی های پس از هفتم اکتبر در شهرهای سراسر جهان، در باد و باران، و زیر آفتاب داغ، شاهد موج خوردن ستاره ها و خط های پرچم آمریکا، پرچم ستاره داود اسرائیل، و پرچم باستانی و همیشه جاوید شیر و خورشید ایرانیان بودیم که به نشانه همبستگی با افتخار در کنار هم به اهتزاز درآمدند. ایرانیان در کنار اسرائیلی ها و آمریکایی ها ایستادند، تجربه ما یک تجربه مشترک است و از همین روی به نفس مبارزه شما آگاهیم؛ زیرا پیش از آنکه جمهوری اسلامی برای کشتن شما بیاید، برای نابودی ما آمده بود.

دوستان؛ شما در اسرائیل در محاصره هستید. جنگ از جنوب، از شمال، از شرق و یک جنگ تبلیغاتی تمام عیار در غرب علیه شما به راه افتاده است. همه اینها با هماهنگی، حمایت و هدایت جمهوری اسلامی است. واکنش به هر یک از این تهدیدها، به گونه ای که گویی آنها تهدیدات مستقل و مجزایی بوده که ارتباطی با یکدیگر ندارند، شما را در وضعیت آسیب پذیری دائمی قرار می دهد. صرف جنگیدن با حماس و حزب الله، امنیت اسرائیل یا آمریکا را تامین نمی کند، شما فقط به تهدیدها واکنش نشان می دهید، زین روی، مردم شما هرگز صلح نخواهند داشت. زمان واکنش صرف به این مرتجعین باید به پایان برسد. ایرانیان نیز نخست کوشیدند با این رژیم راه مصالحه در پیش بگیرند. سعی کردند آن را اصلاح

کنند. اتفاقاً در زمان این "اصلاح طلبان" بود که وحشیانه ترین قتل عام هم میهنان من انجام شد. پس وقتی می گوئیم با چنین رژیمی نمی شود معامله کرد، به ما اعتماد کنید و بپذیرید که نیابتی های آنها نیز هیچ جایگاهی ندارند. به ما اعتماد کنید وقتی می گوئیم؛ رژیمی که تروریست های حزب الله را برای کشتن شهروندان خود وارد ایران می



ما ملت بزرگیم، ایران رو پس می گیریم!



چنین رژیمی هرگز از جهاد خود علیه شما دست نمی کشد. تشدید یهودی ستیزی به اندازه کافی جان انسان های بی گناه را می گیرد، و قرن بیستم به ما نشان داد وقتی یک ایدئولوژی مملو از نفرت، توسط رژیمی هم حمایت شود که می خواهد آن را با روشهای خشونت آمیز تحمیل کند، بسیار خطرناک تر است. پس هنگام آن رسیده که بگوییم؛ دیگر بس است! وقت آن است که خط قرمزمان را بکشیم. شوربختانه این خط قرمز باید با خون غیرنظامیان بی گناه ترسیم شود، خونهای نیکای ما و شانی شما، پویای ما هُرش شما. تنها راه ارج نهادن به فداکاری های آنها، پیشگیری از قربانی شدن دیگر بی گناهان و برقراری صلح برای اسرائیل، آمریکا، جهان عرب و هم میهنانم در ایران؛ فرستادن جمهوری اسلامی به زباله دان تاریخ یک بار و برای همیشه است. **اما چگونه؟**

دوستان؛ در سالی که گذشت ایرانیان و اسرائیلی ها به نشان همبستگی در کنار یکدیگر ایستاده اند. اما، همبستگی دیگر کافی نیست. اکنون زمان آن فرا رسیده که باید بیشتر از کنار یکدیگر ایستادن، عمل کنیم. هنگام آن است که دست در دست هم عمل کنیم، دقیقاً به خاطر این که امروز با هم روی یک پرتگاه ایستاده ایم. پرسشی که امروز در برابر شما می نهم، ساده است. آیا آماده اید بیش از کنار یکدیگر ایستادن انجام دهید؟ آیا آماده اید که با هم اقدام کنیم؟ مردم ایران موضعشان را روشن کرده اند، آنها هر روز با جمهوری اسلامی می جنگند، آنها بدون هیچ حمایتی از دنیای بیرون. آنها نه فقط برای آزادی خودشان بلکه برای آزادی خاورمیانه و دنیا از شر این رژیم می جنگند. وقتی مردم ایران چنین فداکاری انجام می دهند آنها را تنها نگذارید. در این رزم مشترک مردم ایران شریک شما هستند نه پیاده نظام شما. آنچه ما در این مشارکت نیاز داریم فراتر از پیگیری ها، تجمعات اعتراضی و پست های رسانه های اجتماعی است. امروز ما به یک کارزار مشترک و هماهنگ نیازمندیم. باید دوباره فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی بازگردد و باید حمایت حداکثری از مبارزات مردم ایران صورت گیرد. ما نیاز داریم راه ریزش حداکثری از رژیم را آسان کرده تا امکان انتقال قدرت به طور مسالمت آمیز از این دیکتاتوری جنایتکار به سکولار دموکراسی که مردم ایران برای آن می جنگند، فراهم کنیم. این امر نیازمند رهبری در ایالات متحده، در اسرائیل و یک شریک ایرانی دارد.

خانم ها و آقایان؛ من اینجا هستم تا آن مشارکت را ارائه دهم و به عنوان یک شریک صلح دستم را به سوی شما دراز می کنم. از طریق این مشارکت و این اقدام هماهنگ است که می توانیم به آزادی برای مردم ایران، امنیت برای اسرائیل، ایالات متحده، جهان عرب و فرصتی واقعی برای آینده ای روشن برای فلسطینیان دست یابیم. اگر نتوانیم عمل کنیم و جمهوری اسلامی در قدرت بماند، هیچ یک از اینها ممکن نخواهد شد. اما اگر با هم کار کنیم، می توانیم رفاه و عزت را برای مردم خود، و ثبات و امنیت را برای جهانیان تضمین کرده و از پیمان ابراهیم به پیمان کوروش برسیم.

همانگونه که اینک بر لبه پرتگاه تاریخ ایستاده ایم، ضمن ارجگذاری از همبستگی در ارزش ها و دیدگاه های مشترکمان؛ اما اکنون هنگام عمل فرا رسیده است. وقتی شیر و خورشید دوباره طلوع کند، جهان شاهد بامداد دیگری از صلح و آرامش خواهد بود. بسیار سپاسگزارم!"

**هرچه بر افراشته تر باد پرچم ملی سه رنگ شیر و خورشید نشان ایرانیان،
این نماد: جاودانگی، آزادی، آبادانی، صلح، دادگستری و دلاوری!**

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!

padeshahi1339@hotmail.com

هر آنچه که در این ویژه نامه چاپ می شود، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانهای سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!